

قواعد عمومی جاری در ساحت تربیت جنسی در فقه تربیتی*

- علیرضا اعرافی**
- احمد امامی راد***
- سید عباس موسوی****
- مریم مشهدی علی پور*****

چکیده

علاوه بر روش های خاص و تصریح شده ای که در تربیت جنسی جریان دارند، قواعد عامی هم هستند که تکلیف تربیتی را در این ساحت مشخص می کنند. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی این قواعد را مورد بررسی قرار داده است تا در صورت عدم وجود دلیل خاص بتوان به این قواعد تمسک جست. قواعد تسبیب، هدایت، ارشاد، امر به معروف و نهی از منکر، پرهیز از اعانه بر اثم و وقایه از قواعد الزامی ای هستند که در این ساحت جریان دارند، چنان که قاعده اعانه بر طاعت الهی هم از قواعد غیر الزامی جاری در تربیت جنسی است. ارائه آگاهی های لازم در ساحت تربیت جنسی، ایجاد گرایش متربی به سمت امور مطلوب شرعی و پرهیز از امور نامطلوب، پیشگیری های لازم در تربیت جنسی مطلوب و عدم گناه جنسی متربی بعد از بلوغ از جمله مفاد قواعد الزامی جاری در تربیت جنسی هستند که در صورت عدم یقین به منجر شدن به گناه جنسی تحت عنوان قاعده غیر الزامی واقع می شوند.

کلیدواژه ها: تسبیب، هدایت، ارشاد، اعانه بر اثم، وقایه، اعانه بر برّ.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۷/۳۰؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۱۱/۳۰.

** مدرس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم (www.eshragh-erfan.com).

*** استادیار پژوهشکده علوم اسلامی بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی (نویسنده مسئول) (ahmademanimoshaver@gmail.com).

**** دانشجوی دکتری فقه تربیتی (mosavi58@chmail.ir).

***** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث (Mashhadim911@yahoo.com).

مقدمه

علاوه بر روش‌های تصریح شده در باب تربیت جنسی، قواعد عامی هم هستند که در این ساحت تربیتی جریان دارند.

قواعد فقهی، احکام عامه‌ای هستند که در ابواب و موضوعات مختلف فقهی، جاری می‌شوند (مکارم شیرازی، ۱۴۱۰: ۱/۳۲). به عبارت دیگر، قاعده فقهی، آن حکم شرعی کلی‌ای است که توانایی انطباق بر احکام جزئی دارد (مصطفوی، ۱۴۱۰: ۹) و همانند اصول فقه، کبرای برخی از مسائل فقهی را قرار می‌گیرند و در پی آن احکام برخی مسائل فقهی که درباره آنها روایت معتبری وارد نشده، روشن می‌شود. البته در ساحت «تربیت جنسی» روایات معتبر خاص هم وجود دارد، اما پیش از ورود به بررسی ادله خاصه لازم است قواعد عامه‌ای بررسی شود که در این ساحت جریان دارد. این قواعد به عنوان مؤید ادله خاص نیز قابل تمسک می‌باشند. همچنین برای معلوم‌ساختن حکم فقهی مسائلی استفاده می‌شود که ادله خاص در آن موارد وارد نشده است.

دو نوع ادله عام در تربیت جنسی جریان دارد:

الف. ادله الزامی: قواعد تسبیب، هدایت، ارشاد، امر به معروف و نهی از منکر، پرهیز از اعانه بر اثم و وقایه.

ب. ادله غیرالزامی: قاعده اعانه بر طاعت الهی و در جایگاه نیکو قراردادن فرزند. چگونگی جریان این ادله در تربیت جنسی، بررسی خواهد شد؛ هرچند بررسی مفصل آنها در این اثر ممکن نیست. از این رو با اشاره کلی به آنها به چگونگی جریانشان در تربیت جنسی اکتفا می‌شود.

ادله عام الزامی جاری در تربیت جنسی

ادله عام الزامی‌ای که در تربیت جنسی جریان دارند، دلیل‌های «تسبیب»، «هدایت»، «امر به معروف و نهی از منکر»، «پرهیز از اعانه بر اثم» و «وقایه» می‌باشند. با اشاره کلی به این ادله، به چگونگی دلالت آنها بر تربیت جنسی پرداخته می‌شود.

قاعده اول: تسبیب

«تسبیب» در لغت به معنای ایجاد سبب و هر چیزی است که به وسیله آن به چیز دیگری دست یافته می‌شود (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲۰۴/۷؛ جوهری، ۱۴۱۰: ۱/۱۴۵). در اصطلاح فقهی هم به هر فعلی که به صورت غیرمباشری در انجام فعل شخص دیگری مدخلیتی داشته باشد، اطلاق می‌شود که شامل ترک فعلی نیز می‌گردد که در انجام یا ترک فعل دیگری دخیل می‌شود (اعرافی، ۱۳۹۴: ۱/۴۹). این قاعده به واجب، مستحب و مکروه تقسیم می‌شود. درباره تسبیب بحث‌های طولانی صورت گرفته که مجال ذکر آن نیست (همان: ۴۷ - ۱۳۳) و به جمع‌بندی احکام فقهی و چگونگی جریان آن در تربیت جنسی اکتفا می‌شود.

اقسام تسبیب بر اساس تقسیم مختار، چهارگونه است: ترک بیان حکم،^۱ اکراه،^۲ تمهید مقدمات^۳ و عدم مانع.^۴ احکام مختصر این صورت‌ها و جریانشان در تربیت جنسی به قرار زیر است:

الف. ترک بیان حکم (ارشاد جاهل)

ارشاد جاهل در احکام الزامی و مورد نیاز مکلفان، واجب است. این حکم وجوب، مواردی را نیز در بر می‌گیرد که ترک بیان حکم، باعث مہجوریت معارف الهی یا ارتکاب حرام غیرمنجّز توسط مکلفان جاهل شود. در بقیه موارد، ارشاد جاهل، مستحب است. بنابراین ترک بیان حکم در دو مورد مذکور حرام است، ولی در بقیه موارد اشکالی ندارد (اعرافی، ۱۳۹۴: ۱/۸۱).

در ساحت تربیت جنسی نیز اگر ترک بیان حکمی باعث ارتکاب حرام توسط متربی شود، این امر بر عهده مربی، واجب است و در صورت ترک بیان حکم، مربی، مرتکب حرام می‌شود، وگرنه ارشاد او وجوب نخواهد داشت. نمود بیشتر این حکم در آموزش جنسی است.

ب. اکراه

اکراه، واداشتن شخصی به کاری است که به انجام آن راضی نیست (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳/۳۷۶؛ مرتضی، ۱۴۰۵: ۲/۲۶۳). اکراه به دو قسم عقلی (اجبار) و عرفی تقسیم می‌شود. اکراه عقلی به سه صورت متصور است:

۱. (شخص مجبور شده) خود را آگاهانه و با اختیار در معرض اجبار قرار داده است؛
۲. (شخص مجبور شده) ناآگاهانه و بدون اختیار در معرض اجبار قرار گرفته است؛
۳. (شخص مجبور شده) به انجام فعل حرام، پیش از اجبار، مضطر بوده است (اعرافی، ۱۳۹۴: ۱/ ۸۳ و ۸۴).

اجبار از سوی مجبورکننده در هر سه صورت از جهت «سلب آزادی فرد دیگر» حرام است. در واقع، اجبار دیگران به کارهای واجب، مستحب و مکروه از جهت سلب اختیار آنها حرام است؛ زیرا سلب اختیار دیگری، ظلم، بوده و ظلم نیز حرام است (همان: ۸۴).
اما از جهت دخالت در صدور کار حرام (تسبیب):

در صورت اول (ورود آگاهانه و اختیاری مکروه به محل ارتکاب حرام)، کار مجبورکننده افزون بر جهت سلب اختیار شخص، از جهت تسبیب نیز حرام است. در این صورت در ظاهر، اجبار است؛ ولی به دلیل قاعده «الامتناع بالاختیار لاینافی الاختیار» در واقع، اجبار نیست و فاعل آن (مجبور شده) مرتکب حرام می‌شود.

در صورت دوم (ورود ناآگاهانه شخص مجبور به محل ارتکاب حرام)، در صورت قتل و جرح، مجبورکننده مرتکب فعل هم به حساب می‌آید؛ یعنی می‌توان او را قاتل و ضارب نامید. از این رو تسبیب صدق می‌کند و حرام است؛ ولی در دیگر افعال، مانند اکل و شرب، از لحاظ مجبورکننده و سبب بودن مجبورکننده محل تردید است. اگر کسی قاتل به حرمت تسبیب به طور مطلق باشد، در این مورد نیز از لحاظ تسبیب، حرام است.

در صورت سوم (اضطرار شخص مجبور شده به مورد اجبار قبل از اجبار مجبورکننده) از جهت تسبیب حرام نیست؛ زیرا در این دو صورت، فرد مجبور، مرتکب حرام منجز نمی‌شود. از این رو دخالت دیگری در آن، دخالت در حرام به شمار نمی‌آید.

در ساحت تربیت جنسی نیز اکراه در هر سه صورت «از جهت سلب آزادی دیگری» حرام است و شخص مجبورکننده از این لحاظ، مرتکب حرام می‌شود؛ اما از لحاظ تسبیب، در صورت اول صدق کرده، در صورت دوم محل تردید است و در صورت سوم صدق نمی‌کند.

تاکنون سه صورت اکراه عقلی بررسی شد. اکراه عرفی نیز سه صورت دارد:

۱. اکراه به عناوین مؤکد که وقوع آن هرگز مورد رضایت شارع نیست؛

۲. اکراه به عناوین غیر مؤکد؛

۳. اکراه به فعل مورد اضطرار مکروه (همان: ۸۴-۹۱).

برخی حرام‌های جنسی، نمونه بارز عنوان مؤکد است. اکراه به عناوین مؤکد به دلیل عقلی حرام است؛ چون عقل، تحریک دیگران به نافرمانی مولا را قبیح می‌داند؛ چه رسد به اکراه بر نافرمانی او که قبحش بیشتر است؛ بنابراین در ساحت تربیت جنسی، اکراه به نافرمانی جنسی، حرمت مؤکد دارد.

اکراه به عناوین غیر مؤکد و محرمات مورد اضطرار مکروه، از جهت تسبیب، اشکالی ندارد. از این رو اگر متربی، مضطر به فعلی از افعال جنسی شد، اکراه او به این امر نیز حرام نخواهد بود؛ برای مثال اگر متربی در مواردی که اختلاط جنسی حرام است (امامی‌راد، ۱۳۹۳: ۱۱۱-۱۳۷)، مضطر به این اختلاط شد، اکراه او به این کار نیز حرام نخواهد بود. در واقع و در محرمات مورد اضطرار، کار مورد اکراه قبلاً از حرمت خارج شده است و اکراه به آن، دخالت در حرام محسوب نمی‌شود.

ج. تمهید مقدمه خارجی

چنان‌که ذکر شد، سومین قسم از اقسام تسبیب، تمهید مقدمات خارجی است. تمهید مقدمه به دو نوع تقسیم می‌شود: اعانه بر اثم و تسبیب خاص.

۱. اعانه بر اثم: طبق این قاعده که توضیح آن خواهد آمد،^۵ در تربیت جنسی، مربیان وظیفه دارند از هرگونه اقدام یاری‌رسان به متربی برای ارتکاب گناه جنسی، اجتناب کنند؛ هرچند این اقدامات پیش از بلوغ باشند و برای فرزند در ارتکاب گناه پس از بلوغ، زمینه و ذهنیت فراهم سازد. شدت معان‌علیه در شدت گناه این اعانه نیز تأثیرگذار است؛ زیرا در صدق اعانه، فوری بودن اثر، شرط نیست و اعانه شامل اقداماتی نظیر ایجاد انگیزه و تهیه مقدمات گناه برای متربی است که با علم به ارتکاب حرام، توأم باشد (اعرافی، ۱۳۹۴: ۱/۲۴۵).

۲. تسبیب خاص: اگر فاعل فعل حرام، به موضوع یا حکم فعل جاهل باشد و حرمت برایش منجز نباشد، تمهید مقدمه فعل او «تسبیب»، «إغراء به جهل» یا «تغریر جاهل» نامیده می‌شود. به مقتضای قواعد، تسبیب به حرام به طور مطلق حرام نیست و فقط در دو مورد حرام است: یک. عناوینی که بر تسبیب به آن کارها نیز صدق می‌کنند؛ مانند عنوان اتلاف که بر تسبیب به اتلاف نیز صدق می‌کند (مقتضای ظهور خطابات شرعی)؛ دو. عناوین مؤکدی که می‌دانیم شارع به تحقق آنها راضی نیست، گرچه انجام آن با تسبیب دیگران باشد؛ مانند عناوین مربوط به دماء و نفوس (مقتضای عقل و فهم عرفی و عقلایی از خطابات شرعی).

روایات نیز بر حرمت تسبیب در دو مورد ذیل دلالت می‌کنند:

یک. خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های حرام؛

دو. فتوای بدون علم.

بنابراین به مقتضای ادله، تسبیب به حرام فقط در چهار مورد فوق، حرام است و در غیر این چهار مورد، دلیلی بر حرمت تسبیب به حرام وجود ندارد؛ هرچند در آنها نیز احتیاط، ترک تسبیب را اقتضا می‌کند.

مورد دوم ذکرشده از موارد حرام در ساحت تربیت جنسی، حداقل در برخی گناهان جنسی، جریان دارند؛ زیرا برخی گناهان جنسی، آن‌قدر اهمیت دارند که علم داریم شارع به تحقق آنها راضی نیست؛ حتی اگر به سبب شخص دیگری چون متربی انجام شود.

د. عدم مانع

آخرین قسم تسبیب، «عدم مانع» است. اگر کسی متوجه ارتکاب حرام از سوی دیگری شود و از آن جلوگیری نکند، به نوعی در صدور حرام دخالت دارد. عدم مانع بر اساس حالات فاعل حرام، به چهار صورت متصور است که هرکدام حکم جداگانه‌ای دارند:

۱. عالم به حکم و موضوع: منع متربی بالغ که آگاهانه مرتکب گناه جنسی می‌شود، از

باب نهی از منکر، واجب و ترک آن حرام است.

۲. جاهل به حکم: ارشاد متربی بالغ که به سبب ناآگاهی به حکم، مرتکب عمل حرام جنسی می‌شود، واجب و ترک ارشاد از باب ترک بیان حکم، حرام است؛ ولی منع او تا زمانی که جاهل به حکم است، واجب نیست؛ هرچند استحباب آن با توجه به ادله غیرالزامی مثل اعانه بر طاعت الهی جریان دارد.

۳. جاهل به موضوع: منع و ارشاد جاهل به موضوع، واجب نیست و ترک آن اشکالی ندارد؛ هرچند مستحب است.

۴. مضطر به حرام: منع مضطر به انجام حرام جنسی، واجب نیست و ترک آن جایز به معنای عام است.

قاعده دوم، سوم و چهارم: هدایت، ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر

ادله هدایت، ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر هم از قواعد مهم دیگری است که در جایگاه خود بررسی شده‌اند و اکنون مجال توضیح نیست (ر.ک: اعرافی، سلسله بحث‌های قواعد فقه تربیتی، سایت مؤسسه اشراق و عرفان). با توجه به رابطه این سه قاعده و ترتیب اجرایی آنها، در یک بحث بررسی می‌شوند.

ترتیب اجرایی قواعد ذکر شده عبارت است از:

۱. بر اساس قاعده ارشاد جاهل به مخاطب، آگاهی‌های لازم ارائه می‌شود؛
 ۲. بر اساس قاعده هدایت، به تربیت و تزکیه مخاطب اقدام می‌شود و برای تغییر در گرایش، میل و اراده وی تلاش صورت می‌گیرد؛
 ۳. در مرحله سوم، اگر افراد بر اساس متابعت از هوای نفس و... به معصیت روی آورند، بر اساس قاعده «امر به معروف و نهی از منکر» مخاطب برای اصلاح رویه و رفتار آسیب‌زا از سوی آمر و ناهی، فرمان دینی دریافت می‌کند.
- در ساحت تربیت جنسی نیز:

۱. قاعده ارشاد جاهل بیشتر در ساحت آموزش جنسی جریان دارد و بر اساس آن لازم است مربیان، آگاهی‌های لازم در احکام و موضوعات مورد نیاز در ساحت جنسی را به متربیان ارائه دهند.
۲. استحباب ایجاد گرایش، میل و اراده تربیتی به سمت امور مطلوب شرعی جنسی که در برخی از روش‌های آتی خواهد آمد، مفاد قاعده هدایت در این باب است.
۳. در صورت ارتکاب معصیت جنسی تربیتی یا در آستانه آن، مربی باید وی را امر به معروف و نهی از منکر کند.

قاعده پنجم: اعانه بر اثم

خدواند در ادامه آیه: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى»، می‌فرماید: «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (مانده: ۲).

دلیل «اعانه بر اثم» بر خلاف «اعانه بر بر» که خواهد آمد، بر «حرمت» اقداماتی دلالت می‌کند که یاری‌رسانی بر گناه محسوب می‌شوند. این دلیل که از دیرباز مورد توجه و استناد فقها بوده (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۵۸۹؛ حلّی، ۱۴۰۳: ۲۸۳؛ طوسی، ۱۴۰۰: ۳۶۵؛ سآر، ۱۴۰۴: ۱۷۰؛ حلّی، ۱۴۱۰: ۲۲۲/۲؛ کیدری، ۱۴۱۶: ۲۴۶؛ حلّی، ۱۴۱۸: ۱۱۷/۱؛ حلّی، ۱۴۲۱: ۹۱؛ شهید اول، ۱۴۱۷: ۱۶۳/۳ ...) و برخی به عنوان قاعده بدان توجه داشته‌اند (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۱/۱: ۲۵۱؛ محقق حلّی، ۱۴۰۸: ۳/۲-۴؛ علامه حلّی، ۱۳۸۸: ۳۰۰)، دلیل عقلی (اعرافی، ۱۳۹۴: ۱/۱: ۱۴۵) و روایی (کلینی، ۱۳۶۵: ۱۶/۸؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۷/۱۷۷) دارد و مجال بررسی مفصل نیست (ر.ک: اعرافی، ۱۳۹۴: ۱۳۷/۱-۲۴۸)؛ از این‌رو به مفاد این قاعده به صورت مختصر، اشاره و در ادامه، دلالت آن بر تربیت جنسی مورد توجه واقع می‌شود.

طبق قاعده «اعانه بر اثم» اعانه بر گناه به طور مطلق، حرام است و ادله نیز افزون بر اعانه بر ظلم به حقوق الناس، شامل اعانه بر سایر معاصی نیز می‌شود (همان: ۲۴۴). همچنین در صدق اعانه، فوریت اثر شرط نیست و شامل اقداماتی نظیر ایجاد انگیزه، تهیه مقدمات گناه

برای متربی است که توأم با علم به ارتکاب حرام باشد. جریان این قاعده در فضای تعلیم و تربیت به معنای حرمت تمام افعال و اقدامات خلاف مقتضای تربیت صحیح است که سبب فراهم شدن زمینه گناه می شود.

همچنین اعانه از عناوین درجه دوم می باشد و حکم و آثار آن تابعی از معان علییه است. بنابراین عقابی که متوجه اعانه بر اثم می شود، تابع عقاب معان علییه است؛ یعنی هرچه آن گناه از اهمیت بیشتری برخوردار و عقاب شدیدتری داشته باشد، اعانه بر آن نیز عقاب بیشتری خواهد داشت. همچنین هرچه تعداد گناه مورد اعانه بیشتر باشد، عقاب اعانه، بیشتر می شود (همان: ۲۴۵).

در تربیت جنسی نیز طبق این قاعده مهم فقهی، مریبان موظف به اجتناب از هرگونه اقدامی خواهند بود که به متربی برای ارتکاب گناه جنسی یاری بدهد؛ هر چند این اقدامات پیش از بلوغ باشد و پس از بلوغ برای فرزند در ارتکاب گناه، زمینه و ذهنیت فراهم سازند؛ چنان که ذکر شد، در تربیت جنسی نیز شدت معان علییه در شدت گناه این اعانه، تأثیرگذار است.

قاعده ششم: وقایه

دلیل «وقایه» در ساحت تربیت جنسی از سوی «اولیاء» جریان دارد. این دلیل که بر لزوم نگهداری خود و خانواده از عذاب الهی دلالت می کند، مستفاد از آیه شریفه زیر است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (تحریم: ۶).

«وقایه» به معنای مطلق حفظ کردن (زهری، بی تا: ۲۷۸/۹؛ ابن عباد، ۱۴۰۴: ۶۸/۶؛ ابن سیده، بی تا: ۵۹۹/۶؛ ازدی، ۱۳۸۷: ۱۳۳۵/۳؛ مطرزی، بی تا: ۳۶۶/۲؛ فیومی، ۱۴۱۴: ۶۶۹/۲) و حفظ کردن از هر اذیت و خطری است که به چیزی صدمه بزند و مضر باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۸۱؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۰۴/۲۰؛ طباطبائی، ۱۴۱۷: ۳۳۴/۱۹؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۳: ۱۹۶/۵). طبق مفاد این آیه شریفه، تربیت وقایی با هر روش تربیتی کارآمد و موافق با شرع، عرف و عقل، انجام پذیر است و آیه وقایه

نسبت به روش صیانت، اطلاق دارد. این وجوب در حفظ متربی از گناهان جنسی، نه تنها جریان دارد؛ بلکه یکی از بارزترین مصادیق آن است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰/۴۷۷؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ۹/۳۳۸).

ذکر چند نکته در دلالت این دلیل بر «تربیت جنسی» ضروری است:

۱. در مورد اینکه این دلیل شامل کلیه مریبان است یا فقط شامل گروه خاصی از آنها می‌شود، توجه به معنای «أهل» کارگشا خواهد بود. آنچه از بررسی معانی لغوی و کاربردهای اصطلاحی «أهل» به دست می‌آید، این است که «أهل» مراتب دارد. این واژه در یک مرتبه محدود، فقط شامل خانواده کوچک یعنی همسر می‌شود. این معنا در برخی کتب لغت و برخی استعمالات فقهی و قرآنی، اراده شده است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۴/۸۹، طوسی، بی‌تا: ۵۹۵ و ۶۹۸؛ طرابلسی، ۱۴۳۰: ۱/۲۴۰؛ حلی، ۱۴۱۰: ۲/۲۵۲). در مرتبه دیگر: افزون بر همسر، فرزندان، فرزندان فرزندان، والدین، اجداد و جدات، مصادیق واژه «أهل» به شمار می‌روند (مصطفوی، ۱۴۱۰: ۱/۱۶۹). در مرتبه‌ای بالاتر، وسعت معنای «أهل» در دایره‌ای گسترده‌تر از پیش، شامل همه بستگان نزدیک و کسانی که با شخص زندگی می‌کنند؛ مثل خواهر و برادر، عمو، عمه، دایی و خاله، عروس و داماد و خدمتکاران می‌شود (طوسی، ۱۴۰۰: ۱۸۶)؛ اما در مورد شمول «أهل» نسبت به همه بستگان - هرچند بستگان دور - تردید وجود دارد. در نهایت این که «أهل» در یک معنا شامل همه کسانی است که نسب، دین و یا چیزی شبیه به آن دو مانند شغل، خانه و شهر، آنان را یک‌جا جمع می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۹۶).

با توجه به مراتب متعدد معنای «أهل»، باید بررسی شود که این واژه در آیه شریفه «وقایه» در کدام معنا استعمال شده است؟ در باره شمول آیه نسبت به همه بستگان، هرچند بستگان دور، تردید وجود دارد؛ اما مرتبه سوم (همه بستگان نزدیک و کسانی که با شخص زندگی می‌کنند) بعید به نظر نمی‌رسد. پس این آیه، وظیفه تمامی مریبان را برنمی‌شمارد و مریبانی را که از بستگان نزدیک متربی باشند و با او زندگی کنند، مأمور به لزوم وقایه می‌داند. بارزترین مصداق این مریبان، والدین می‌باشند؛ اما بدان محدود نمی‌شود؛ از این رو این امر وظیفه اولیا است. اولیا عبارتند از: والدین، برادر، خواهر و بستگان نزدیکی که به نوعی با متربی زندگی می‌کنند.

۲. حکم مذکور (وقایه) در صورت «قطع» به اثر ذکر شده است. بدین معنا که برای صدق حرمت یا وجوب کار اولیا، حصول اطمینان به این امر لازم است که اقداماتشان به گناه جنسی فرزندان یا ترک گناه جنسی آنان منجر خواهد شد؛ اما اگر این اطمینان حاصل نشود و فقط احتمال منجر شدن به گناه فرزند باشد، نمی‌توان قائل به حرمت آن شد.

۳. معیار گناه متربی در بحث حاضر، گناهی است که پس از بلوغ صورت می‌گیرد؛ زیرا پیش از بلوغ «گناه» صدق نمی‌کند؛ اما در صدق حرمت اقدامات اولیا، رسیدن متربی به بلوغ، لازم نیست؛ بلکه صرف فراهم آوردن فضایی که در گناه جنسی پس از بلوغ فرزند دخیل باشد، حرام است.

۴. حصول اطمینان و ظن ذکرشده، گاه با تجربه کارشناسی یا عرفی نیز حاصل می‌شود. بدین معنا که عرف یا تجربه و نظر کارشناسان نشان می‌دهد که اقدامات خاص اولیا یا ترک کارهای خاص از سوی آنها و یا سبک زندگی خاص، به معصیت متربیان در حال یا آینده می‌انجامد. این اقدامات می‌تواند از نوع معاشرت جنسی اولیا در دید فرزند یا با در اختیار قرار دادن وسایل مختلف کشاننده به سوی گناه جنسی و امثال این‌گونه موارد باشد. البته چنان‌که ذکر شد، این امور در صورتی نافذند و تکلیف را بر عهده اولیا منجر می‌سازند که اطمینان ایجاد کنند.

۵. ممکن است خود اموری که منجر به معصیت جنسی فرزند می‌شوند، در حد حرمت نباشند؛ برای مثال ممکن است دیدن عکس‌ها و فیلم‌های خاص برای غیرمکلف حرام نباشد؛ اما از لحاظ عرف، مشاهده آنها هنگام رسیدن به بلوغ، احتمال دارد خویشتن‌داری متربی را کاهش دهد یا به بلوغ زودرس او همراه با گناه منجر شود. در چنین صورتی نیز وقایه از سوی اولیا لازم است.

۶. روش‌های وقایه می‌تواند بدین‌گونه باشد که اولیا با انجام تدابیر تربیتی مناسب، متعارف و عقلایی، مانع از وقوع فرزندان در آتش شوند. به این صورت که هم از امر و نهی استفاده کنند و هم موعظه و اقدامات مناسب تأثیرگذار در متربی را در حد توان انجام دهند؛ برای

مثال، وسایل گناه را از او دور کنند، بر دوستی های او نظارت داشته باشند و محیط مناسبی در خانه و خانواده پدید آورند. بنابراین آیه، مفهوم خیلی وسیعی دارد و شامل همه روش هایی می شود که می توانند اهل را از عذاب الهی حفظ کنند. در نتیجه هم امر و نهی و هم روش هایی که در حفظ فرزندان مؤثر است، در دایره شمول آیه قرار دارد (گنابادی، ۱۴۰۸: ۴/۱۸۸؛ اعرافی، ۱۳۹۳: ۲۳ - ۳۸). تربیت وقایی را می توان با هر روش تربیتی کارآمد و موافق با شرع، عرف و عقل انجام داد.

۷. تدابیر لازم در روش های وقایه به لحاظ شکل و قالب، تابع شرایط علمی و زمانی است. ممکن است علم در یک زمان، تدبیری را کشف کند که پیش تر نبوده است. آیه از این جهت، عام است و همه روش ها و تدابیر متعارف برای حفظ از عذاب آتش، در دایره شمول آن واقع است.

۸. با توجه به این که واژه «قوا» با آتش (ناراً) مقید شده است، شامل معنایی اعم از استحباب و وجوب نیست و فقط موارد الزامی را شامل می شود.

۹. اقدامات اولیا اعم از ایجابی و سلبی است؛ یعنی اولیا باید هم از اقداماتی اجتناب کنند که به گناه قطعی متربی می انجامد و هم اقداماتی انجام بدهند که مانع گناه فرزند می شود.

با توجه به مطالب پیش گفته، در دلالت فقهی آیه وقایه بر تربیت جنسی می توان گفت: طبق دلیل «وقایه»، اولیا وظیفه دارند هر اقدام مشروعی را برای پیشگیری از گناه جنسی متربی پس از بلوغ انجام دهند.

ادله عمومی غیرالزامی جاری در «تربیت جنسی»

علاوه بر ادله عمومی الزامی ذکر شده در تربیت جنسی خانواده، دو دلیل عمومی «غیرالزامی» نیز در این ساحت تربیتی جریان دارند که عبارتند از:

۱. دلیل «اعانه بر طاعت الهی» (اعانه بر برّ)؛
۲. دلیل «در جایگاه نیکو قرار دادن فرزند» (وَضَعُهُ مَوْضِعاً حَسَنًا).

اکنون چگونگی دلالت این ادله بر تربیت جنسی بررسی می‌شود؛ هرچند طبق مبنای مختار، دلیل دوم مورد قبول نخواهد بود.

دلیل اول: «اعانه بر طاعت الهی»

برخی فقها در موارد زیادی به قاعده اعانه بر برّ و تقوا به‌عنوان دلیل، استناد کرده‌اند (اسدی حلی، ۱۴۰۷: ۱۰/۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۸۰/۵؛ میرزای قمی، ۱۴۲۸: ۷۹۳/۲؛ بهبهانی، ۱۴۱۸: ۱۸؛ شیخ انصاری، ۱۴۲۵: ۱۲۱؛ همدانی، ۱۴۱۶: ۵۸۰/۱۳؛ سبزواری، ۱۴۱۳: ۳۷۵/۳؛ حسینی، ۱۴۱۹: ۱/۳۱۹؛ انصاری شیرازی، ۱۴۲۹: ۱۷۹/۲)؛ اما به‌عنوان قاعده‌ای مستقل، کمتر به آن توجه شده است. مستند دلیل اعانه بر برّ (طاعت الهی) که بر رجحان یاری‌رسان به دیگران در اقدامات نیک دلالت می‌کند، آیه شریفه زیر و حدیثی است که خواهد آمد:

«... تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (مائده: ۲).

اعانه بر برّ، به معنای کمک به خیر است (فیومی، بی‌تا: ۴۳/۲). در مفاد آن دو احتمال وجود دارد: احتمال اول: رجحان اعانه بر نیکی - اعم از وجوب و استحباب - است؛ زیرا تعاون علاوه بر مشارکت مستقیم در فعل، شامل آماده‌سازی مقدمات آن نیز می‌شود و صیغه امر در «تعاونوا» هرچند ظهور در وجوب دارد؛ ولی ظهور صیغه امر با اطلاق برّ و تقوا تعارض می‌کند و اطلاق برّ و تقوا، بر ظهور آن مقدم شده و در نتیجه، از ظهور صیغه امر دست برمی‌داریم و به استحباب، حمل می‌کنیم (اعرافی، ۱۳۹۴: ۲۸۷ و ۲۸۸).

احتمال دوم: دلالت آن بر جامع بین وجوب و استحباب است که قوی‌تر به نظر می‌رسد. در این صورت، اعانه مری بر انجام نیکی متربی، در موارد واجب، واجب و در موارد مستحب، مستحب است.

در تربیت جنسی نیز رجحان یاری‌رسانی مری بر طاعت الهی در مقوله جنسی متربی جریان دارد. بدین معنا که طبق مفاد آیه شریفه و احادیث ذکرشده، هر اقدامی که متربی را بر طاعت الهی در مقوله جنسی رهنمون می‌سازد، از سوی مری رجحان دارد. در صورتی که

ترک اقدامات خاص به صورت یقینی، به گناه جنسی متربی پس از بلوغ منجر می‌شود، چنین اعانه‌ای واجب است؛ اما در صورت نداشتن یقین، فقط استحباب مؤکد دارد. استحباب مؤکد ذکر شده با توجه به اهتمام شارع به معان‌علیه است.

دلیل دوم: «در جایگاه نیکو قرار دادن فرزند»

این دلیل هم که ویژه والدین است و می‌توان از آن به‌عنوان «و ضعه موضعاً حسناً» نیز یاد کرد، مستفاد از حدیث زیر است که در شمار وظایف والدین قرار دارد:

عَلَىٰ بَنِي إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَىٰ عَنْ يُونُسَ عَنْ دُرُسْتٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا حَقُّ ابْنِي هَذَا قَالَ ﷺ «تُحْسِنُ اسْمَهُ وَ أَدَبَهُ وَ ضَعَهُ مَوْضِعاً حَسَناً» (کلینی، ۱۳۶۵: ۴۸/۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۱/۴۷۹).

در این حدیث، پیامبر گرامی اسلام ﷺ از جمله حقوق فرزند بر والدین، «گماردن او در وضعیت نیکو» را برمی‌شمارد. این روایت، ضعیف‌السند^۷ است؛ پس نمی‌توان «قاعده» را از آن استخراج کرد. از لحاظ دلالتی هم تعبیر «ضعه»، ظهور در وجوب دارد. از سوی دیگر «مَوْضِعاً حَسَناً» اطلاق دارد و شامل کلیه امور رجحانی، اعم از واجب و مستحب می‌شود. با توجه به این تعارض صدر و ذیل حدیث، یا باید از ظهور آن در وجوب دست برداشت و یا از اطلاق «مَوْضِعاً حَسَناً» و یا به جامع بین وجوب و استحباب حمل کرد که راه سوم قوی‌تر به نظر می‌رسد. در مواردی که یقین به عدم وجوب داریم، بر استحباب حمل می‌شود.

این دلیل فقط دلالت‌کننده به وظایف والدین است و در تربیت جنسی نیز به وجوب یا استحباب اقداماتی از سوی والدین دلالت دارد که به تربیت بهینه جنسی فرزند منجر می‌شود؛ اما چون سندش ضعیف است، نمی‌توان قائل به وجوب و استحباب آن شد.

دو سؤال فرعی مرتبط با ادله عمومی تربیت جنسی

با توجه به نکاتی که در ذیل ادله عمومی الزامی و غیرالزامی ذکر شد، ممکن است سؤالات

ذیل به ذهن خطور می‌کند:

۱. اطمینان خود مریبان ملاک است یا اطمینان عرفی؟
۲. آیا ادله عمومی، فقط اطمینان به صدور گناه جنسی فرزند پس از بلوغ را شامل می‌شود یا مطلق است؟

یک. اطمینان شخصی یا اطمینان عرفی

طبق آنچه بررسی شد، ملاک صدق برخی ادله عمومی ذکر شده و تعلق حکم بدان‌ها، اطمینان مریبان به صدور گناه جنسی متربی، پس از دوران بلوغ است. اکنون جای این پرسش است که در چنین اطمینانی، اطمینان شخصی ملاک است یا عرفی؟ آنچه به طور قطع می‌توان بدان قائل شد، اطمینان شخصی است؛ زیرا اصل در احکام، تعلق حکم به فعل و حالت‌های خود مکلف است. در بحث حاضر نیز ملاک، حصول یقین مکلف است. آری، نظرات کارشناسی و عرف و عقلا گاه باعث حصول اطمینان در مکلف خاص می‌شود؛ ولی تا خود شخص به اطمینان دست نیابد، تکلیف بر عهده‌اش تنجّز پیدا نخواهد کرد؛ چنان‌که در دیگر احکام فقهی نیز ملاک، «یقین خود مکلف» است.^۸

البته بدیهی است که در صورت ابتلای شخص به حالت‌های غیرمتعارف، معیار تعلق حکم، یقین چنین شخصی نخواهد بود؛ برای مثال اگر مکلف در حصول اطمینان وسواس دارد و با قراین و شواهد قطعی نیز یقین پیدا نمی‌کند، ملاک در تنجّز، یقین خود او نخواهد بود و اگر نوع افراد در مورد خاص یقین پیدا کنند، برای او هم حجت خواهد بود.

دو. معیار اطمینان به صدور گناه جنسی در شمول ادله

با توجه به آنچه ذکر شد، ملاک شمول ادله عام تربیتی در حوزه تربیت جنسی، ارتکاب گناه جنسی متربی پس از بلوغ است. از آنجا که این امر به فعل آینده متربی تعلق گرفته، چهار صورت در اطمینان داشتن یا اطمینان نداشتن مریبان به صدور گناه جنسی متربی قابل تصوّر است. این صورت‌ها و احکام آنها به قرار زیر است:

۱. مریبان به اموری اقدام کنند که اطمینان وجود دارد این اقدامات به صدور گناه جنسی

متربی پس از بلوغ منجر می‌شود. در این صورت مشمول قواعد عام مذکور است و طبق ادله عام الزامی، مریبان باید از این اقدامات بپرهیزند.

۲. مریبان به اموری اقدام کنند که مطمئن به منجر شدن آن امور به گناه جنسی فرزند نیستند؛ اما احتمال عقلایی نسبتاً ظنی این امر وجود دارد. این احتمال، درجات متفاوتی دارد و بدیهی است که در این صورت، مثل صورت قبلی، نمی‌توان به وجوب اجتناب از این اقدامات حکم کرد؛ زیرا:

- در موارد وجوب دلیل «تسبیب»، یقین لازم است؛

- موضوع «امر به معروف و نهی از منکر» متربی، احراز گناه اوست؛

- «وقایه» به پرهیز از اقداماتی امر می‌کند که به صورت «یقینی» به آتش جهنم منجر می‌شود؛

- در دلیل «پرهیز از اعانه بر اثم» نیز احراز «یقین» به گناه جنسی متربی، لحاظ شده است.

البته ممکن است بتوان قائل به شمول آیه «وقایه» بر این امر شد؛ با این توضیح که این آیه به پیشگیری از آتش جهنم برای خود و خانواده امر می‌کند. از لحاظ عرف، «صیانت» ملزم با حالت اطمینان نیست؛ به عبارت دیگر: آیه نوعی امر به احتیاط و تحفظ دارد؛ پس این آیه، مواردی را نیز در بر می‌گیرد که احتمال منجر شدن به گناه را دارد. این مطلب، محتمل است؛ ولی نمی‌توان به صورت یقینی به این دلالت، قائل شد. از این رو تمسک به تمام این ادله، تمسک به عام در شبهه موضوعیه است و در موارد مشکوک، اصل عدم، جاری می‌شود. در صورت فرض، جریان قاعده «وقایه» در موارد محتمل نیز منحصر به اولیا می‌شود و شامل تمام مریبان و متربیان نمی‌شود.

البته قاعده ارشاد و هدایت در حد استحباب و نیز دو دلیل غیرالزامی در تربیت جنسی (قاعده اعانه بر طاعت الهی و قاعده در جایگاه نیکو قرار دادن فرزندان)، مطلق است و شامل مواقعی نیز می‌شوند که یقین به صدور معصیت نباشد. با این توضیح که طبق دلیل «اعانه بر طاعت الهی»،

اقدامات پیشگیرانه مریبان در مواردی که احتمال وقوع مرتبی در گناه جنسی باشد، مستحب است. این استحباب در موارد غیر یقینی، نه تنها جریان دارد؛ بلکه رجحان آن بیشتر هم می‌شود؛ زیرا مصداق بارز و کامل برّ و احسان است و با اینکه به صدور گناه یقین ندارد و فقط به مقدار کمی، این امر را احتمال می‌دهد، باز به اقدامات پیشگیرانه اقدام می‌کند.

در دلیل «و ضعه موضعاً حسناً» نیز اقتضای قرار دادن در جایگاه نیکو، پیشگیری از کلیه موارد محتمل منجر به گناه جنسی مرتبی است و استحباب محتمل‌ها هم بیشتر می‌شود. خلاصه آنکه صورت دوم ذکر شده (مریبان به اموری اقدام کنند که با قید اطمینان به گناه جنسی فرزند منجر نمی‌شود؛ اما احتمال عقلایی نسبتاً ظنی این امر وجود دارد)، مشمول قواعد الزامی نیست؛ ولی شامل قواعد غیرالزامی آن می‌شود.

۳. مواقعی که مریبان، اقداماتی انجام دهند که موجب زمینه‌سازی گناه جنسی مرتبی در دوره تمیز و پیش از بلوغ می‌شود؛ ولی می‌دانند که مدتی پیش از بلوغ، زمینه‌هایی هست یا فراهم می‌شود که مرتبی، این مسائل را ترک می‌کند و پس از بلوغ، مرتکب گناه جنسی نمی‌شود.^۹ در این صورت، حکم مسئله چیست؟ آیا ترک این اقدامات از سوی مریبان لازم است؟

جواب این سؤال، واضح است؛ بدین صورت که ملاک حرمت، «حصول اطمینان به ارتکاب گناه پس از بلوغ» است و در فرض ذکرشده، نه تنها چنین اطمینانی نیست؛ بلکه مریبان اطمینان یا ظن به ترک این اقدامات هنگام رسیدن مرتبی به سن بلوغ را دارند. آری با توجه به ادله غیرالزامی، ترک چنین اقداماتی مستحب است؛ اما قواعد الزامی، فرض ذکرشده را در بر نمی‌گیرد؛ زیرا موضوع آن قواعد، «اطمینان» است. البته در برخی گناهان مؤکد جنسی مثل لواط و زنا، این امر جریان ندارد و مشمول قواعد الزامی می‌شوند؛ هرچند اطمینان دارد که پس از بلوغ به گناه جنسی فرزند منجر نمی‌شود.

۴. مریبان اقدامات منجر به گناه جنسی مرتبی انجام نمی‌دهند؛ بلکه خود مرتبی، مرتکب گناه یا کارهای منجر به گناه جنسی پس از بلوغ می‌شود؛ آیا در چنین صورتی، جلوگیری مریبان از این اقدامات مرتبی لازم است؟^{۱۰}

این قسم دو صورت دارد:

یک. گناه جنسی متربی، پس از بلوغ اوست:^{۱۱}

اگر فرزند پس از سن بلوغ به معصیت جنسی اقدام می‌کند، بدیهی است که مریمان موظفند طبق شرایط امر به معروف و نهی از منکر، از این امر جلوگیری کنند. قواعد عام الزامی و غیرالزامی تربیت جنسی نیز در این صورت جریان دارد.

دو. گناه جنسی متربی، پیش از بلوغ اوست:

اگر متربی پیش از بلوغ، اقداماتی می‌کند که به یقین پس از بلوغ به معصیت جنسی وی منجر می‌شود، وظیفه مریمان چیست؟ آیا امر و نهی، عوض کردن محیط و اقداماتی از این قبیل از سوی آنها لازم است؟ برای استخراج حکم این صورت باید مفاد قواعد عمومی، ذکر و شمول یا عدم شمول آنها بررسی شود:

یکم. عنوان تسبیب

چنان‌که ذکر شد، تسبیب چهارگونه است: صورت اول (ترک بیان حکم)، حکم الزامی در بحث حاضر دارد؛ با این توضیح که اگر با بیان حکم به متربی، پیشگیری از گناه جنسی او پس از بلوغ محقق شده و «ترک بیان حکم» باعث ارتکاب حرام توسط متربی شود، این امر (بیان حکم) بر مربی واجب است.

اکراه از اقسام تسبیب و نیز «تسبیب» از تمهید مقدمه، از فرض مذکور، خارج می‌شوند. همچنین موضوع «عدم مانع» از اقسام تسبیب متربی بالغ است و شامل فرض بحث حاضر نمی‌شود.

دوم. عناوین قواعد «هدایت، ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر»

قاعده ارشاد جاهل در بحث حاضر جریان دارد و بر اساس آن، لازم است مریمان آگاهی‌های لازم در احکام و موضوعات مورد نیاز جنسی را به متربیان ارائه دهند؛ اما قاعده هدایت در حد استحباب است. امر به معروف و نهی از منکر نیز در بحث حاضر جریان ندارد.

سوم. اعانه بر اثم

اعانه بر اثم از فرض بحث حاضر خارج است؛ زیرا فرض بر این است که خود متربی به موارد جنسی پیش از بلوغ اقدام می‌کند، نه اینکه مربی، اعانه بر آن داشته باشد.

چهارم. عنوان وقایه

در دلیل «وقایه» توضیح داده شد که «ابتلای فعلی» قید این قاعده نیست و اطمینان به صدور معصیت در آینده نیز تکلیف‌آور است. بنابراین اگر متربی، مرتکب معاصی پیش از بلوغ می‌شود یا اقداماتی می‌کند که به طور یقینی به استمرار یا انجام گناه پس از بلوغ منجر می‌شود، طبق دلیل وقایه، اولیا موظف به جلوگیری از آن می‌باشند.

ه. اعانه بر اثم

در دلیل «اعانه بر اثم» توضیح داده شد که بعید نیست شامل موارد پیشگیرانه بشود. از این رو اگر مربیان به پیشگیری از ارتکاب گناه پس از بلوغ متربی اقدام نکنند، اعانه بر اثم صادق است؛ اما شمول این قاعده مثل قاعده «وقایه» نیست و به قوت آن قاعده در بحث حاضر، دلالت ندارد.

و. ادله غیرالزامی اعانه بر طاعت و در جایگاه نیکو قراردادن متربی

پیشگیری از گناه جنسی فرزند، به طور قطع «اعانه بر طاعت الهی» است. افزون بر آن، چنین کاری قرار دادن فرزند در جایگاه نیکو محسوب می‌شود و قاعده «وَضَعَهُ مَوْضِعاً حَسَناً» نیز چنین صورتی را در برمی‌گیرد و رجحان دارد.

خلاصه آنکه اگر متربی پیش از بلوغ اقداماتی انجام دهد که به یقین پس از بلوغ به معصیت جنسی او منجر می‌شود، طبق برخی ادله، مربیان موظفند از این کارها جلوگیری کنند.

اکنون صورت‌های ذکرشده و حکم فقهی مستفاد از قواعد عمومی در جدول زیر ارائه

می‌شود:

جدول ۲ - ۱. صورت‌های اطمینان یا عدم اطمینان والدین به صدور گناه جنسی فرزند و حکم فقهی آنها طبق قواعد عام تربیتی

حکم فقهی صورت‌ها	صورت‌های اطمینان یا عدم اطمینان مریبان	ردیف
مشمول قواعد عام ذکر شده است و بنا به ادله عام الزامی، مریبان موظفند از این اقدامات بپرهیزند.	مریبان به اموری اقدام کنند که به منجر شدن این اقدامات به صدور گناه جنسی متربی پس از بلوغ، مطمئن می‌شوند.	۱
ادله عمومی الزامی، این صورت را در بر نمی‌گیرد؛ زیرا موضوع آنها قید اطمینان منجر شدن به گناه است؛ ولی قواعد غیرالزامی شامل این صورت می‌شود.	مریبان به اموری اقدام کنند که با قید اطمینان، به گناه جنسی فرزند منجر نمی‌شود؛ اما احتمال عقلایی نسبتاً ظنی این امر وجود دارد.	۲
ادله عمومی الزامی، این صورت را در بر نمی‌گیرد؛ زیرا ملاک حرمت، «حصول اطمینان به ارتکاب گناه پس از بلوغ» است و در فرض ذکر شده، نه تنها چنین اطمینانی نیست، بلکه مریب اطمینان یا ظن به ترک این اقدامات هنگام رسیدن متربی به سن بلوغ دارد شامل ولی قواعد غیرالزامی، این صورت می‌شود.	مریبان اقداماتی انجام دهند که موجب زمینه‌سازی گناه جنسی متربی در دوره تمییز و پیش از بلوغ می‌شود؛ ولی می‌دانند که مدتی پیش از بلوغ، زمینه‌هایی هست یا فراهم می‌شود که متربی این مسائل را ترک می‌کند و مرتکب گناه جنسی پس از بلوغ نمی‌شود.	۳
اگر پس از بلوغ متربی است، مریبان طبق شرایط امر به معروف و نهی از منکر اقدام می‌کنند. اگر پیش از بلوغ متربی است، طبق دلیل تسبیب، ارشاد جاهل، وقایه و دلیل اعانه بر اثم، مریبان موظفند از این امور جلوگیری کنند.	مریبان اقدامات منجر به گناه جنسی متربی انجام نمی‌دهند؛ بلکه خود متربی، مرتکب گناه یا کارهای منجر به گناه جنسی پس از بلوغ می‌شود.	۴

تقسیم‌بندی دیگر صورت‌های اطمینان یا عدم اطمینان والدین به صدور گناه متربی در دوره پیش از بلوغ

در دوره پیش از بلوغ، به منظور ورود جزئی‌تر به بحث و تسهیل درک بیشتر تقسیمات ذکر شده، در تقسیم‌بندی دیگر، صورت‌های اطمینان یا عدم اطمینان مریبان به صدور گناه جنسی متربی را می‌توان در دو بخش بررسی کرد:

بخش اول: اقدامات مریبی یا متربی به استمرار گناه جنسی متربی پس از بلوغ منجر می‌شود.
بخش دوم: اقدامات مریبی یا متربی به استمرار گناه جنسی متربی پس از بلوغ منجر نمی‌شود و مریبی با قراینی به عدم استمرار چنین امری اطمینان دارد.

هر کدام از این بخش‌ها را می‌توان در دو جهت بررسی کرد:

جهت اول: مریبی به اموری اقدام می‌نماید که به گناه جنسی متربی منجر می‌شود.
جهت دوم: خود متربی به اموری اقدام می‌نماید که به گناه جنسی او منجر می‌شود.

هر یک از این دو جهت را نیز می‌توان در سه صورت بررسی کرد:

صورت اول آنکه اطمینان به صدور گناه جنسی دارند.

صورت دوم آنکه ظن به صدور گناه جنسی دارند.

صورت سوم آنکه احتمال صدور گناه جنسی می‌دهند.

با توجه به آنچه ذکر شد، شش صورت در هر بخش قابل تصور است:

الف. مریبان به اموری اقدام می‌کنند که به گناه جنسی متربی منجر می‌شود:

۱. اطمینان به صدور گناه جنسی دارند.

۲. ظن به صدور گناه جنسی دارند.

۳. احتمال صدور گناه جنسی می‌دهند.

ب. خود متربی اقدام به اموری می‌نماید که به گناه جنسی او منجر می‌شود:

۱. اطمینان به صدور گناه جنسی دارند.

۲. ظن به صدور گناه جنسی دارند.

۳. احتمال صدور گناه جنسی می دهند.

عین همین شش صورت در بخش دوم، یعنی (جایی صدق می کند که اقدامات مریبی یا متربی به استمرار گناه جنسی متربی پس از بلوغ منجر نمی شود.

جدول ۲ - ۲. شش صورت بخش اول

صورت‌ها	جهت‌ها	بخش‌ها
۱. اطمینان به صدور گناه جنسی دارند.	خود مریبان به اموری اقدام می نمایند که به گناه جنسی متربی منجر می شود.	اقدامات مریبی یا متربی به استمرار گناه جنسی متربی پس از بلوغ منجر می شود.
۲. ظن به صدور گناه جنسی دارند.		
۳. احتمال صدور گناه جنسی می دهند.		
۱. اطمینان به صدور گناه جنسی دارند.	خود متربی به اموری اقدام می نماید که به گناه جنسی او منجر می شود.	
۲. ظن به صدور گناه جنسی دارند.		
۳. احتمال صدور گناه جنسی می دهند.		
	تمامی جهت‌ها و صورت‌های ذکر شده در این بخش نیز جریان دارد.	اقدامات مریبان یا متربی به استمرار گناه جنسی او پس از بلوغ منجر نمی شود.

اقدام مریبان یا متربی می تواند به صورت مباشرتی یا تسبیبی باشد که به سبب عدم دخالت این امر در احکام ذکر شده آینده و رعایت اختصار، هر دو صورت، یکی فرض می شود. اکنون حکم هر یک از شش صورت ذکر شده در بخش اول بررسی و در ادامه خلاصه صورت‌ها و احکام آنها به صورت جدول ارائه می شود:

حکم شش صورت ذکر شده در بخش اول

بخش اول، (جایی که اقدامات مریبان یا متربیان به استمرار گناه جنسی متربی پس از بلوغ

منجر می‌شود، دو جهت فرض شد:

جهت اول: مریبان به اموری اقدام می‌کنند که به استمرار گناه جنسی متربی منجر می‌شود).

جهت دوم: خود متربی به اموری اقدام می‌کند که به استمرار گناه جنسی او منجر می‌شود. اکنون این دو جهت بررسی می‌شوند:

الف. به استمرار گناه جنسی متربی در پی اقدام مریبان

نخست سه صورت ذکر شده از اولین جهت (اقدام مریبان منجر به استمرار گناه جنسی متربی) بررسی می‌شود:

۱. مریبان اقداماتی می‌کنند که اطمینان دارند به استمرار گناه جنسی متربی منجر می‌شود. چنان‌که بیان شد، تمامی ادله الزامی ذکر شده شامل این صورت می‌شود و ترک این امور از سوی مریبان واجب است.

۲. مریبان دست به اموری می‌زنند که به طور ظنی به استمرار گناه جنسی متربیان منجر می‌شود.

این صورت فقط مشمول ادله غیرالزامی مذکور است و ادله الزامی شامل این صورت نمی‌شود.

۳. مریبان کارهایی می‌کنند که به احتمال ضعیف به استمرار گناه جنسی متربی منجر می‌شود. به نظر می‌رسد ادله غیرالزامی نیز شامل این صورت نمی‌شود و رجحانی بر ترک این امور نیست؛ زیرا شبهه موضوعیه است و ضرررسانی در این صورت، محرز نیست.

ب. اقدام خود متربی به استمرار گناه جنسی او منجر می‌شود

در برخی مواقع خود متربی اقداماتی می‌کند یا خود را در شرایطی قرار می‌دهد که به استمرار گناه جنسی می‌انجامد. در این صورت وظیفه مریبان چیست؟
در این جهت نیز سه صورت تصور می‌شود:

۱. متربی اقداماتی می‌کند که به صورت یقینی به استمرار گناه جنسی او پس از بلوغ منجر می‌شود.

مقتضای ادله عام امر به معروف و نهی از منکر شامل این مورد نمی‌شود؛ زیرا رفع منکر، آن هم به فاصله‌ای که متربی به سن بلوغ برسد، مشمول ادله عام امر به معروف و نهی از منکر نیست؛ اما در تربیت جنسی، غیر از ادله عام امر به معروف و نهی از منکر، باید دلالت قواعد ذکرشده نیز بررسی شود:

- بیان شد که طبق دلیل «وقایه» اولیا موظف به جلوگیری متربی از کارهایی هستند که او را به سوی گناه می‌کشاند. این دلیل فراتر از ادله عام امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه اولیا را اعم از اقدامات فعلی و پیشگیرانه می‌داند.

- همچنین بعید نیست دلیل «اعانه بر اثم» شامل موارد پیشگیرانه هم بشود. از این رو اگر مریبان به پیشگیری از ارتکاب گناه پس از بلوغ متربی اقدام نکنند، اعانه بر اثم صادق است؛ اما شمول این دلیل مثل قاعده «وقایه» نیست و به قوت آن قاعده در بحث حاضر دلالت ندارد. ادله غیرالزامی «اعانه بر طاعت الهی» و «وضعه موضعاً حسناً» نیز این صورت را در بر می‌گیرد.

۲. متربی کارهایی می‌کند که به طور ظنی و اقتضایی به استمرار گناه جنسی او پس از بلوغ منجر می‌شود.

در این صورت ادله عام الزامی، شامل این صورت نمی‌شود و فقط قواعد استحبابی این صورت را در بر می‌گیرد و نوعی «اعانه بر طاعت الهی» و «وضعه موضعاً حسناً» قلمداد می‌شود.

۳. متربی کارهایی می‌کند که به احتمال ضعیف به استمرار گناه جنسی او پس از بلوغ منجر می‌شود.

علاوه بر آنکه ادله الزامی شامل این صورت نمی‌شود، ادله غیر الزامی نیز به قوت فرض پیش شامل این صورت نمی‌شود و شاید بتوان قائل به اباحه این صورت هم شد.

حکم شش صورت ذکر شده در بخش دوم

بخش دوم به مواردی اختصاص داشت که مریبان با قرآینی می‌دانند که اقدامات متربی در دوران بلوغ استمرار ندارد و پیش از رسیدن به بلوغ، ترک خواهد شد. در فرض ذکر شده، در هر شش صورت قبلی در دو جهت، وجوب احتراز بر عهده مریبان نیست و فقط به رجحان این امر با توجه به قواعد غیرالزامی نظر داده می‌شود.

دوازده صورت ذکر شده و حکم فقهی آنها در جدول زیر ارائه می‌شود:

جدول ۲ - ۳. جمع بندی صورت‌های ذکر شده و حکم فقهی مستفاد از قواعد عام تربیتی

بخش‌ها	جهت‌ها	صورت‌ها	وظیفه فقهی مریبان	
اقدامات مریبان به استمرار گناه جنسی متربی پس از بلوغ منجر می‌شود.	مربی به اموری اقدام می‌کند که به استمرار گناه جنسی متربی می‌انجامد.	۱. اطمینان به صدور جنسی دارند.	وجوب جلوگیری از ابتلای به گناه جنسی متربی توسط مریبی.	
		۲. ظن به صدور گناه جنسی دارند.	استحباب جلوگیری از این امر.	
		۳. احتمال صدور گناه جنسی می‌دهند.	استحباب جلوگیری از این امر بنا به یک احتمال و اباحه آن بنا به احتمال دیگر.	
	خود متربی به اموری اقدام می‌نماید که به استمرار گناه جنسی او منجر می‌شود.	۱. اطمینان به صدور جنسی دارند.	۱. اطمینان به صدور جنسی دارند.	وجوب جلوگیری از این امر طبق ادله الزامی جاری در تربیت جنسی؛ نه طبق ادله امر به معروف و نهی از منکر.
			۲. ظن به صدور گناه جنسی دارند.	استحباب جلوگیری از ابتلای به گناه جنسی.
			۳. احتمال صدور گناه جنسی می‌دهند.	استحباب جلوگیری از این امر بنا به یک احتمال و اباحه آن بنا به احتمال دیگر.

در تمام صورت‌های شش‌گانه، الزامی بر عهده متریبان نیست و فقط استحباب پیشگیری بر عهده آنها است.	اقدامات مریبان یا متربی به استمرار گناه جنسی متربی پس از بلوغ منجر نمی‌شود.
-----------------------------------------------------------------------------------------------	-----------------------------------------------------------------------------

آیا احراز شرایط امر به معروف و نهی از منکر در گناه جنسی متربی پس از بلوغ لازم است؟

طبق آنچه ذکر شد، اگر متربی به بلوغ برسد و به گناه جنسی یا مقدمات آن اقدام کند، ادله «امر به معروف و نهی از منکر» شامل این صورت می‌شود. از سوی دیگر، ادله عام تربیت جنسی نیز این صورت را در بر می‌گیرد.

اکنون جای این پرسش است که آیا احراز شرایط امر به معروف و نهی از منکر در شش صورت ذکر شده لازم است یا اینکه با توجه به الحاق قواعد عام تربیت جنسی، لازم نیست این شرایط احراز شوند؟

برای پاسخ‌گویی به این سؤال، چند شرط اصلی امر به معروف و نهی از منکر به تفکیک شروط به اختصار بررسی می‌شود:

۱. قید مکلف بودن طرف امر و نهی شده:

یکی از شرایط مهم در باب امر به معروف و نهی از منکر، مکلف بودن فردی است که مورد امر و نهی واقع شده است. از آنجا که فرض بحث در این سؤال، بالغ بودن متربی است، این شرط نیز لحاظ شده است؛ هر چند توضیح داده شد که در صورت بالغ نبودن متربی نیز طبق قاعده «وقایه»، بر اولیا لازم است از گناه جنسی پس از بلوغ جلوگیری کنند.

۲. شرط عاقل بودن امر و نهی شده:

«عاقل بودن» امر و نهی شده نیز از شرایط اصلی باب امر به معروف و نهی از منکر است. بدیهی است که در بحث حاضر نیز این شرط عقلانی جریان دارد و مجنون نبودن متربی، لازم است.

۳. شرط عالم به حکم بودن نهی شده:

یکی دیگر از شرایط اصلی در باب امر به معروف و نهی از منکر، عالم بودن امر و نهی شده نسبت به حکم است. این شرط هم لازم است.

۴. قید احتمال تأثیر:

از دیگر شرایط مهم در باب امر به معروف و نهی از منکر، قید احتمال تأثیر است (امام خمینی، ۱۴۲۴: ۵۹۶؛ همو، بی تا: ۴۷۶/۱). از آنجا که این قید امر عقلی و از قراین لّبی امر به معروف و نهی از منکر است، بدیهی است که در بحث حاضر نیز مر بیان با احتمال تأثیر، به امر و نهی متربی از گناه جنسی اقدام می کنند. البته لازم نیست اطمینان به تأثیر داشته باشند؛ بلکه صرف احتمال تأثیر در تنجّز تکلیف آنها کافی است.

حتی اگر از باب قواعد عام الزامی تربیت جنسی به ویژه قاعده «وقایه» هم بررسی شود، باز قید احتمال تأثیر ملحوظ است و اگر حتی احتمال تأثیر کم هم وجود ندارد، وقایه از آن توسط مر بی، لازم نخواهد بود.

نتیجه

به منظور جمع بندی کلی احکام استخراج شده از قواعد عام تربیتی در ساحت تربیت جنسی، این احکام در جدول زیر به صورت خلاصه ارائه می شود.

جدول ۲ - ۴. جمع بندی احکام استخراج شده از قواعد عام تربیتی در ساحت تربیت

جنسی

الف) ادله عام الزامی جاری در تربیت جنسی		
ردیف	ادله	حدود و دلالات و حکم فقهی استفاده از ادله
۱	تسبیب	اقسام تسبیب بر اساس تقسیم مختار، چهار گونه است: ترک بیان حکم، اکراه، تمهید مقدمات و عدم مانع که حکم هر کدام به صورت مفصل بررسی شد.
۲	هدایت، ارشاد	۱. قاعده ارشاد جاهل بیشتر در ساحت آموزش جنسی جریان دارد و بر

<p>۳ و امر به معروف ۴ و نهی از منکر</p>	<p>اساس آن لازم است مریبان آگاهی های لازم را در ساحت جنسی به متریبان ارائه دهند.</p> <p>۲. ایجاد گرایش و میل و اراده متریبی به سمت امور مطلوب شرعی جنسی مفاد قاعده هدایت در این باب است.</p> <p>۳) در صورت معصیت جنسی متریبی، مریبی موظف به امر به معروف و نهی از منکر اوست.</p>
<p>۵ اعانه بر اثم</p>	<p>مریبان موظف به اجتناب از هرگونه اقدام یاری رسان به متریبی برای ارتکاب گناه جنسی خواهند بود، هر چند این اقدامات پیش از بلوغ باشند و زمینه و ذهنیت برای فرزند در ارتکاب گناه پس از بلوغ فراهم سازند. چنان که ذکر شد در تربیت جنسی نیز شدت معان علییه در شدت گناه این اعانه نیز تأثیرگذار است.</p>
<p>۶ وقایه</p>	<p>اولیا موظف به هر اقدام مشروع برای پیشگیری از گناه جنسی متریبی پس از بلوغ می باشند.</p>

<p>(ب) ادله عام غیرالزامی جاری در تربیت جنسی</p>		
ردیف	قواعد	حدود و دلالات و حکم فقهی استفاده از ادله
<p>۱</p>	<p>اعانه بر طاعت الهی</p>	<p>هرگونه اقدامی که متریبی را بر طاعت الهی در مقوله جنسی رهنمون می سازد، از سوی مریبان، رجحان دارد. اگر ترک اقدامات خاص به صورت یقین، به گناه جنسی متریبی پس از بلوغ منجر می شود، چنین اعانه ای واجب است؛ اما در صورت عدم یقین، فقط استحباب مؤکد دارد.</p>
<p>۲</p>	<p>در جایگاه نیکو قرار دادن فرزند</p>	<p>از لحاظ دلالتی بر استحباب اقداماتی از سوی والدین دلالت داشت که به تربیت بهینه جنسی فرزند منجر می شود؛ اما با توجه به ضعف سند این دلیل، قاعده ای از آن استخراج نمی شود.</p>

پی‌نوشت‌ها

۱. تسبیب یا دخالت شخص در ارتکاب وقوع حرام از دیگری، گاهی از جهت حکم است و گاه از جهت موضوع و امور خارجی؛ در قسم اول که ترک بیان حکم نامیده می‌شود، عدم بیان از ناحیه عالم، موجب وقوع شخص ناآگاه در ورطه گناه می‌شود (اعرافی، ۱۳۹۴: ۷۱).
۲. اکراه با تهدید دیگری به رساندن ضرری به او یا منسوبانش در صورت انجام‌ندادن یا ترک‌نکردن آن فعل، محقق می‌شود (همان: ۸۱).
۳. به معنای فراهم کردن مقدمه کار حرامی است که فرد دیگری مرتکب آن می‌شود (همان: ۹۱).
۴. به معنای ایجاد نکردن مانع در مقابل مرتکب فعل حرام است (همان: ۱۲۳).
۵. این دلیل عنوان و ادله مستقل دارد و به طور مستقل، بررسی خواهد شد.
۶. در ادله عمومی غیرالزامی جاری در تربیت جنسی خواهد آمد.
۷. علی بن ابراهیم بن هاشم (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۶۰؛ حلی، ۱۴۱۱: ۱۰۰) و یونس بن عبد الرحمن (طوسی، ۱۳۸۱: ۳۴۶ و ۳۶۸؛ کشی، ۱۳۴۸: ۴۸۳، ۴۸۷ و ۵۹۰) مؤتقدند. کشی و ابن‌داوود، «محمد بن عیسی بن عبید» را وثیق کرده‌اند (کشی، ۱۳۴۸: ۵۳۸؛ ابن‌داوود، ۱۳۸۳: ۵۰۹) و طوسی او را ضعیف می‌داند (طوسی، ۱۳۸۱: ۴۴۸؛ طوسی، بی‌تا: ۴۰۲). «درست بن ابی‌منصور» طبق تعبیر طوسی و کشی، واقفی است (طوسی، ۱۳۸۱: ۳۳۶؛ کشی، ۱۳۴۸: ۵۵۶).
۸. چنانچه بنا به فتوای برخی فقها، در صورت نظردادن طیب به ضرررسانی روزه بر مکلف خاص، تا این امر برای خود مکلف حالت یقین ایجاد نکرده باشد، روزه از عهده او ساقط نمی‌شود (امام‌خمینی، ۱۴۲۴: ۱/۹۶۶؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸: ۳۳۴).
۹. فرق این صورت با دو صورت پیشین در آن است که در این صورت، مریبان به عدم گناه جنسی مریبی پس از بلوغ اطمینان دارند؛ هر چند در دوره تمییز و پیش از بلوغ، این عمل از سوی متربی انجام می‌شود، ولی «گناه» صدق نمی‌کند.
۱۰. فرق این صورت با سه صورت پیشین در آن است که در این فرض، مریبان زمینه ارتکاب معصیت را فراهم نمی‌آورند؛ بلکه خود متربی به اقدامات منجر به گناه جنسی بعد از بلوغ روی می‌آورد.
۱۱. این قسم خروج از بحث است؛ زیرا بحث در جایی است که اقدامات مریبان یا متربی، پیش از بلوغ اوست؛ ولی این قسم نیز به مناسبت بررسی می‌شود.

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن داوود، حسن بن علی، رجال ابن داوود، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ق.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم و المحيط الأعظم، بیروت، دار الکتب العلمیة، بی تا.
- ابن عباد، صاحب و اسماعیل ابن عباد، المحيط فی اللغة، بیروت، عالم الكتاب، ۱۴۱۴ق.
- ازدی، عبدالله بن محمد، کتاب الماء، تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران، ۱۳۸۷.
- ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- اعرافی، علیرضا، تربیت فرزند با رویکرد فقهی، تحقیق و نگارش: سیدنقی موسوی، قم، مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۳.
- _____، قواعد فقهی، تسبیب، اعانه بر اثم، اعانه بر برّ، تحقیق و نگارش: احمد عابدین زاده و سیدمحمد جلال زاده، قم، مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۴.
- امامی راد، احمد، «بررسی فقهی تفکیک جنسیتی در مراکز آموزشی و اجتماعی»، مجله علمی پژوهشی فقه تربیتی، شماره ۲، ۱۳۹۳.
- انصاری دزفولی، مرتضی بن محمد امین (شیخ انصاری)، کتاب الحج، قم، مجمع الفکر الإسلامی، ۱۴۲۵ق.
- انصاری شیرازی، قدرت الله، موسوعة احکام الأطفال و أدلتها، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ۱۴۲۹ق.
- بهبهانی، محمود بن محمد علی، رسالة فی الغناء، قم، مرصاد، ۱۴۱۸ق.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۱۰ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
- حسینی روحانی، سید محمد، المرتقی إلى الفقه الأرقی - کتاب الحج، تهران، مؤسسة الجلیل للتحقیقات الثقافیة (دار الجلی)، ۱۴۱۹ق.

قواعد عمومی جاری در ساحت تربیت جنسی در فقه تربیتی □ ۷۱

- حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق: علی هلالی و علی سیری، اول، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
- حلبی، ابوالصلاح، تقی‌الدین بن نجم‌الدین، الکافی فی الفقه، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۴۰۳ق.
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (علامه حلی)، الخلاصة، دار الذخائر، قم، ۱۴۱۱ق.
- _____، تذکرة الفقهاء، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۳۸۸ق.
- _____، تلخیص المرام فی معرفة الأحكام، تحقیق و تصحیح: هادی قیسی، اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۲۱ق.
- حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن، المختصر النافع فی الفقه الإمامیة، قم، مؤسسة المطبوعات الدينية، ۱۴۱۸ق.
- _____، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
- حلی، احمد بن محمد اسدی جمال‌الدین، المهدب البارح فی شرح المختصر النافع، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
- حلی، محمد بن منصور بن احمد ابن ادريس، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، دوم، قم، دفتر اسلامی، ۱۴۱۰ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دار العلم و الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق.
- سبزواری، سید عبدالأعلى، مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام، قم، مؤسسة المنار، ۱۴۱۳ق.
- سلار دیلمی، حمزة بن عبد العزيز، المراسم العلویة و الاحکام النبویة فی الفقه الإمامی، قم، الحرمین، ۱۴۰۴ق.
- سیفی مازندرانی، علی اکبر، دلیل تحریر الوسيلة، الستر و الساتر، تهران، مؤسسه تنظیم و آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۴۱۷ق.
- شریف مرتضی، علی بن حسین، رسائل الشریف المرتضی، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۰۵ق.
- شیخ مفید، محمد بن نعمان عکبری، المقنعة، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

- طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.
- طبرسی، حسن بن فضل، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
- طرابلسی، قاضی عبدالعزیز ابن براج، المهدّب، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۳۰ق.
- طوسی، محمد بن حسن، (شیخ طوسی)، المبسوط فی الفقه الإمامیة، تهران، المكتبة المرتضوية لاحیاء الآثار الجعفریة، ۱۳۸۷ق.
- _____، الفهرست، نجف، المكتبة المرتضوية، بی تا.
- _____، النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۰ق.
- _____، رجال الطوسی، نجف، حیدریه، ۱۳۸۱ق.
- _____، مصباح المتهدّد، تهران، المكتبة الإسلامیة، بی تا.
- عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، الدروس الشرعیة، قم، اسلامی، ۱۴۱۷ق.
- عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم، مؤسسة المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۳ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، هجرت، ۱۴۱۰ق.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، تهران، مكتبة الصدر، ۱۳۷۳.
- فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير، قم، دار الهجرة، ۱۴۱۴ق.
- کاشانی، ملافتح الله، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، کتابفرشی محمدحسن علمی، ۱۳۳۶.
- کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۶۵.
- کیدری، قطب الدین محمد بن حسین، اصباح الشیعة بمصباح الشریعة، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۶ق.
- گنابادی، سلطان محمد، تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ق.
- گیلانی، ابوالقاسم بن محمد حسن (میرزای قمی)، رسائل المیرزا القمی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۲۸ق.

قواعد عمومی جاری در ساحت تربیت جنسی در فقه تربیتی □ ۷۳

مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، مرکز کتاب للترجمة و النشر، ۱۴۰۲ق.

- مصطفوی، سید محمدکاظم، *مائة قاعدة فقهية*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق.
- مطرزی، ناصر بن عبد السید، *المغرب فی ترتیب المعرب*، حلب، مكتبة أسامة بن زيد، بی تا.
- مکارم شیرازی، ناصر، *القواعد الفقهية*، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۱۰ق.
- موسوی خمینی، سیدروح الله (امام خمینی)، *تحریر الوسيلة*، قم، مؤسسه دارالعلم، بی تا.
- _____، *توضیح المسائل (محشی)*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۲۴ق.
- نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۵.
- وحید خراسانی، حسین، *توضیح المسائل*، قم، مدرسه امام باقر علیه السلام، ۱۴۲۸ق.
- همدانی، آقارضا بن محمد هادی، *مصباح الفقیه*، قم، مؤسسه الجعفریة لإحياء التراث، ۱۴۱۶ق.